



# مدرسان شریف

## فصل اول

### « کلیات مالیه عمومی »

#### تعریف مالیه عمومی

در اقتصادهای جدید، دولت نقش عظیم و پراهمیتی را بر عهده دارد. هدف از فعالیت دولت‌ها، تحصیل سود و حداکثر نمودن سود نیست، بلکه تأمین رفاه اقتصادی و اجتماعی افراد جامعه است. دولت باید بکوشد تا با استفاده عقلایی از منابع موجود، خواسته‌های اجتماع را در حد معقول و ممکن برآورده سازد. انجام وظایف دشواری که بر عهده دولت‌ها گذاشته شده است، مستلزم تحمل مخارج سنگینی است که برای تأمین آن‌ها دولت باید منابع درآمد کافی در اختیار داشته باشد. یکی از مسائل بسیار مهمی که امروزه ذهن اقتصاددانان جهان را به خود مشغول کرده و در تمامی کشورهای جهان، چه کشورهای توسعه یافته و چه کشورهای در حال توسعه موضوع روز است، بحث مالیه عمومی است. دلیل اهمیت آن را می‌توان در گسترش روزافزون وظایف دولت‌ها، گسترش نیازهای ملت‌ها و منابع محدود در حال کاهش کشورها خلاصه کرد. علمی که بتواند بین نیازهای نامحدود و منابع محدود تلفیق و هماهنگی ایجاد کند، علم مالیه عمومی است.

برای شناخت طبیعت و ماهیت مالیه عمومی، بیش از هر چیز شناخت دولت و نقش دولت‌ها لازم و ضروری است. آنچه واقعیات تاریخی نشان می‌دهد، حکایت از آن دارد که همراه با شکل‌گیری حکومت‌ها و واحدهای سیاسی - اجتماعی بحث از چگونگی گذران مالی دولت‌ها مورد توجه قرار گرفته است. طبیعی است که این رشته از فعالیت‌های حکومتی ابتدا بسیار ساده بوده است و به تدریج همراه با تکامل جامعه، اقتصاد، توسعه افقی و عمودی نیازهای عمومی و فعالیت‌های دولتی گسترش یافته است.

بررسی مسائل مربوط به درآمدها و مخارج دولت و نتایج حاصل از هر یک (دخل و خرج)، موضوع مالیه عمومی است. در حقیقت، مالیه عمومی یکی از موضوعاتی است که در مرز اقتصاد و سیاست قرار دارد. با توجه به تعدد و تنوع وظایف دولت که بعضاً مورد بحث قرار می‌گیرد و مسائلی که تحصیل درآمد و خرج از جهات حقوقی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به وجود می‌آورد، وسعت دامنه مالیه عمومی مشخص می‌گردد. تعریف مالیه عمومی را نمی‌توان بدون توجه به اهداف دولت‌ها بیان کرد؛ چرا که هدف دولت‌ها از جمع‌آوری درآمد و پرداخت هزینه‌ها، فایده اجتماعی یا افزایش مطلوبیت اجتماعی (افزایش رفاه اجتماعی و اقتصادی افراد یک جامعه) است و جوهر اصلی تعریف مالیه عمومی را دربر دارد.

مالیه معادل اصطلاح انگلیسی « Finance » است که در معنای تدارک مالی به کار گرفته می‌شود. در این معنای کلی طبیعی است که می‌توان آن را در رابطه با یک فرد یا خانوار، یک بنگاه و یا یک جامعه و یا در سطح بین‌الملل مورد استفاده قرار داد. از نظر اقتصادی مسائل مربوط به مالیه فرد یا خانوار را در مباحث مربوط به رفتار مصرف‌کننده در اقتصاد خرد و آنجا که مسئله بودجه خانوار یا بودجه مصرف‌کننده مطرح می‌شود، بررسی می‌نمایند. برخی از صاحب‌نظران می‌گویند که مالیه عمومی بررسی عملیات و فعالیت‌های مربوط به چگونگی انجام هزینه‌های دولت‌ها، روش‌های جمع‌آوری درآمدها و چگونگی نحوه اداره وجوه و منابع مالی است؛ اگر تعریف فوق مورد پذیرش واقع شود، حوزه مطالعاتی مالیه عمومی هزینه‌های عمومی، درآمدهای عمومی و اداره وجوه و منابع مالی خواهد بود.

**نکته ۱:** جوهر اصلی تعریف مالیه عمومی، افزایش مطلوبیت اجتماعی است و هدف دولت‌ها از جمع‌آوری درآمدها و پرداخت هزینه‌ها، حداکثر کردن مطلوبیت اجتماعی می‌باشد.

**مثال ۱:** کدام یک از موارد زیر را می‌توان مهم‌ترین هدف مالیه عمومی دانست؟

- ۱) تأمین ثبات اقتصادی
- ۲) ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌ها
- ۳) افزایش درآمدهای مالیاتی
- ۴) حصول عدالت اجتماعی

پاسخ: گزینه «۱» مهم‌ترین هدف مالیه عمومی کنونی لااقل از زمان بحران اقتصادی ۱۹۲۹-۳۳ تاکنون، ایجاد ثبات اقتصادی می‌باشد. به عبارت دیگر، برقراری مالیات و استفاده از سیاست‌های مختلف مالیاتی به منظور تأثیر بر سطح درآمد ملی و ایجاد ثبات اقتصادی است.



## مالیه عمومی و مالیه خصوصی

در مالیه خصوصی بحث درباره اصول قواعد و وسایل تهیه درآمد به منظور تأمین هزینه‌های واحدهای بخش خصوصی اقتصاد است. هدف از فعالیت این واحدها، حداکثر نمودن سود است و با این هدف به فعالیت خود ادامه می‌دهند؛ یعنی در صورت عدم سوددهی فعالیت این واحدها متوقف خواهد شد؛ اما هدف از فعالیت‌های دولت‌ها، تحصیل سود و حداکثر نمودن سود نیست، بلکه تأمین رفاه اقتصادی و اجتماعی افراد جامعه است. در حقیقت، حداکثر نمودن هزینه فایده اجتماعی یا افزایش مطلوبیت اجتماعی مطرح می‌باشد. در زیر به برخی از وجوه تشابه و تفاوت‌های مالیه عمومی و خصوصی اشاره می‌کنیم.

**وجوه تشابه** را از ۴ زاویه مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱- در هر دو، مسئله موازنه دخل و خرج (درآمد و هزینه) مطرح است.

۲- در هر دو، مسئله حداکثر کردن منافع با استفاده از حداقل منابع مورد توجه است.

۳- در هر دو، مسئله استقراض برای پوشاندن شکاف دخل و خرج جاری امری ضروری است.

۴- در هر دو می‌توان از راه افزایش مخارج سرمایه‌گذاری به افزایش درآمد دست یافت.

**وجوه تفاوت** را از ۹ زاویه مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱- در مالیه خصوصی، هزینه‌ها باید با درآمد هماهنگ شوند، در حالی که در مالیه عمومی در اکثر مواقع، درآمدها با هزینه‌ها هماهنگ نمی‌شوند.

۲- در مالیه خصوصی، الزامی ندارد که بودجه‌ها سالانه تنظیم شوند، در حالی که در مالیه عمومی، بودجه‌های دولتی غالباً سالانه تنظیم می‌شوند.

۳- در مالیه خصوصی تنها روش تأمین منابع مالی، استقراض بیرونی است، در حالی که در مالیه عمومی از روش‌های استقراض درونی هم می‌توان بهره گرفت.

۴- مالیه خصوصی از امتیاز خاص «سیاست کسر بودجه» برخوردار نمی‌باشد، در حالی که در مالیه عمومی از سیاست کسری بودجه به عنوان یک ابزار بهینه استفاده می‌شود.

۵- هدف مالیه خصوصی، حداکثر کردن رضایت‌مندی یا سود بنگاه در رابطه با استفاده از مقادیر مشخصی از عوامل است، در حالی که هدف مالیه عمومی، تحصیل حداکثر سود اجتماعی است که در سیمای تحقق اشتغال کامل مطلوب، توزیع درست‌تر درآمد و ثروت، رشد و ثبات اقتصادی و نبود آثار تورمی و ... ظاهر می‌شود.

۶- شعاع زمانی و کمی مخاطره در مالیه خصوصی محدودتر است، در حالی که در مالیه عمومی گسترده‌تر است.

۷- بودجه‌گذاری احتیاطی (یا مازاد) برای بخش خصوصی، هنر به‌شمار می‌آید؛ ولی چنین کاری در بخش عمومی دولت ضرورت ندارد.

۸- مالیه خصوصی تن‌پوشی رازگونه دارد (اعتبار بخش خصوصی به آنچه واقعاً دارد نیست، بلکه به آن چیزی است که به نمایش می‌گذارد)، در حالی که مالیه عمومی این‌گونه نیست.

۹- مالیه خصوصی از پشتیبانی قوه مجریه (دولت) به‌طور مطلق برخوردار نمی‌باشد، در حالی که دولت می‌تواند با وضع قانون، مالیات‌ها را تغییر دهد و درآمد بیشتری کسب کند و یا با لغو برخی از قوانین از میزان هزینه‌هایش بکاهد.

جدول زیر به‌طور خلاصه وجوه تشابه و تفاوت مالیه عمومی و خصوصی را نشان می‌دهد.

وجوه تشابه و تفاوت مالیه عمومی و خصوصی

| نوع وجوه   | مالیه عمومی   | مالیه خصوصی  |
|------------|---|--|
| وجوه تشابه | موازنه دخل و خرج<br>حداکثر نمودن منافع<br>ضرورت استقراض<br>افزایش درآمد ناشی از افزایش مخارج سرمایه‌گذاری   | موازنه دخل و تصرف<br>حداکثر نمودن منافع<br>ضرورت استقراض<br>افزایش درآمد ناشی از افزایش مخارج سرمایه‌گذاری   |
| وجوه تفاوت | هماهنگی بین درآمدها با هزینه‌ها<br>الزام تنظیم سالانه بودجه<br>تأمین منابع مالی از طریق استقراض درونی و بیرونی<br>برخورداری از سیاست کسری بودجه<br>هدف، تحصیل سود اجتماعی است.<br>گسترده بودن شعاع زمانی<br>هنر نبودن بودجه احتیاطی<br>عدم داشتن تن‌پوشی رازگونه<br>برخوردار بودن از حمایت قوه مجریه (دولت) | عدم هماهنگی بین هزینه‌ها با درآمدها<br>عدم الزام تنظیم سالانه بودجه<br>تأمین منابع مالی از طریق استقراض بیرونی<br>عدم برخورداری از سیاست کسری بودجه<br>حداکثر نمودن رضایت‌مندی یا سود بنگاه<br>محدود بودن شعاع زمانی و کمی مخاطره<br>هنر بودن بودجه احتیاطی<br>داشتن تن‌پوشی رازگونه<br>عدم برخورداری از حمایت قوه مجریه |

کدام یک از موارد زیر در مورد مالیه عمومی صحیح می‌باشد؟

- (۱) دارای مخاطره‌ی کمتری نسبت به مالیه خصوصی است.  
 (۲) سیاست کسری بودجه ندارد.  
 (۳) دارای استقراض بیرونی و درونی می‌باشد.  
 (۴) لزومی به بودجه سالانه ندارد.

پاسخ: گزینه «۳» برخی از خصوصیات مالیه‌ی عمومی در مقایسه با مالیه خصوصی به شرح زیر است:

- ۱- سیاست کسری بودجه دارد. ۲- دارای مخاطره‌ی بیشتری نسبت به مالیه‌ی خصوصی است. ۳- مورد حمایت دولت و قوه‌ی مجریه می‌باشد.  
 ۴- بودجه‌ی سالانه‌ی دولتی تنظیم می‌شود. ۵- تأمین مالی از طریق استقراض درونی و بیرونی صورت می‌پذیرد.  
 نکته: در مالیه‌ی خصوصی تنها استقراض بیرونی انجام می‌شود؛ اما در مالیه‌ی عمومی هم استقراض بیرونی و هم درونی انجام می‌پذیرد.

کدام یک از موارد زیر از تشابهات مالیه عمومی و خصوصی نمی‌باشد؟

- (۱) در هر دو تأمین حداکثر منافع با استفاده از حداقل منابع مورد توجه است. (۲) در هر دو باید هزینه‌ها با درآمدها هماهنگ شوند.  
 (۳) در هر دو با افزایش مخارج سرمایه‌گذاری، افزایش درآمد به دست می‌آید. (۴) در هر دو مسئله‌ی موازنه‌ی درآمد و هزینه مطرح می‌شود.

پاسخ: گزینه «۲» برخی از تشابهات مالیه عمومی و خصوصی به شرح زیر می‌باشد:

- (۱) موازنه‌ی دخل و خرج (۲) حداکثر نمودن منافع (۳) افزایش درآمد ناشی از افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری

## شکست بازار و دخالت دولت

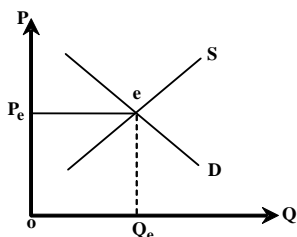
یکی از موارد عمده مورد بحث در اقتصاد، نقش دولت و اندازه دولت است و قبل از ارائه نظریه کلاسیک‌ها، دولت‌ها نقش عمده‌ای در اقتصاد و تجارت به عهده داشتند، در حالی که با رونق نظریه آدام اسمیت و پیروان کلاسیک او، نقش دولت در اقتصاد کم‌رنگ شد. کلاسیک‌ها که اصول نظریه اقتصادی خود را براساس فعالیت آزاد بنگاه‌های اقتصادی و بازارها قرار داده بودند و راه صحیح برای تخصیص منابع را در برخورد آزاد متقاضی و تولیدکننده جستجو می‌کردند، آشکارا دخالت دولت در اقتصاد را رد نموده، حداقل درآمد و هزینه را برای دولت تعیین می‌کردند.

آدام اسمیت، ریکاردو و ژان باتیست سه تن از عمده اقتصاددانان کلاسیک بودند که به‌جز در محدوده کوچکی از فعالیت‌های اقتصادی، دولت را از هرگونه دخالتی در مکانیزم بازارها منع می‌کردند. اساس نظریه کلاسیک‌ها بر رقابت قرار دارد که در صورت وجود شرایط لازم برای رقابت، مکانیزم بازار خود مسئله کارایی و تخصیص بهینه منابع را حل خواهد کرد.

با توجه به چنین نظریه‌ای در هر بازار که واجد شرایط مورد نظر باشد، محل برخورد منحنی‌های عرضه و تقاضا یعنی موقعیت تعادل از نظر کارایی نیز حداکثر رفاه را به همراه خواهد داشت. در شکل (۱) که بازار رقابت کامل را نشان می‌دهد، در نقطه  $e$  محل تلاقی منحنی‌های عرضه و تقاضا، سطح تولید  $Q_e$  و قیمت  $P_e$  تعیین می‌شوند. این موقعیت بهترین وضعیت ممکن در بازار کالای  $X$  می‌باشد؛ یعنی اگر سطح تولید و مصرف کالای  $X$  از  $Q_e$  کمتر یا بیشتر باشد، در تخصیص منابع عدم کارایی به وجود می‌آید و در رفاه بازار کاهش ایجاد می‌شود.

حال برگردیم به نظریه کلاسیکی که دخالت دولت را باعث عدم کارایی می‌داند. به نظر می‌رسد که آن‌ها درست می‌گویند؛ چون به هر صورتی که دولت در بازاری مثل بازار  $X$  دخالت کند، باید باعث تغییر در موقعیت تعادل  $e$  یا سطح تولید و قیمت  $Q_e$  و  $P_e$  شود و در بالا توضیح داده شد که چنین تغییری کاهش در رفاه و عدم کارایی در تخصیص منابع را به همراه خواهد آورد. اگر چنین است و نظریه کلاسیک‌ها در حدود فعالیت‌های اقتصادی دولت صحیح است، پس چه بحثی باقی می‌ماند و موضوع اقتصاد مالیه عمومی یا اقتصاد بخش عمومی چه خواهد بود؟

نکته اساسی در اینجاست که همه بازارها به آن صورتی که کلاسیک‌ها فرض می‌کنند، شرایط لازم برای رقابت کامل را ندارند و بازار الزاماً قادر به فراهم کردن کلیه نیازهای ضروری جامعه نمی‌باشد.



بازار رقابتی و حداکثر کارایی در تخصیص منابع

زمانی که آدام اسمیت و کلاسیک‌های اولیه - همان کسانی که بیشترین محدودیت را برای دولت قائل بودند - نظریات اقتصادی خود را بیان می‌کردند، ابتدای دوران صنعتی شدن و انقلاب صنعتی بود. بخش کشاورزی کم و بیش شرایطی نزدیک به بازارهای رقابتی داشت (حتی امروز هم این گونه است). بخش صنعت نیز در آن دوران از بنگاه‌های نسبتاً کوچک تولیدی یا به عبارتی دیگر کارگاه‌های تولیدی تشکیل می‌شد که به دلیل قرار داشتن در آغاز تحولات، تکنولوژی امروزه را داشت.

به عبارت دیگر، در بخش صنعتی نیز تعداد کارگاه‌ها نسبتاً زیاد و ورود و خروج با دشواری کمی روبرو بود. یعنی شرایط نزدیکی به بازارهای رقابتی برقرار بود. درست است که شرایط وجود یک بازار رقابت کامل بسیار دشوار است تا برقرار شود، ولی در دوره کلاسیک‌های اولیه، موارد بیشتری از بازارهای نزدیک به شرایط رقابتی وجود داشتند.



براساس فرضیات لازم برای وجود یک بازار رقابتی، چنین انتظار می‌رود که مکانیزم بازار قادر به ایجاد یک تخصیص بهینه از منابع باشد. شرایط عمده برای عملکرد یک بازار رقابتی با قبول شرایط خاص برای توابع مطلوبیت و تولید عبارتند از:

۱- وجود تعداد زیاد و کافی عرضه‌کننده به مقداری که هیچ‌یک به تنهایی نتوانند در قیمت بازار تأثیر بگذارند.

۲- وجود تعداد زیاد و کافی متقاضی به مقداری که هیچ‌یک به تنهایی نتوانند در قیمت بازار تأثیر بگذارند.

۳- آزادی ورود (به) و خروج (از) بازار به وسیله عرضه‌کنندگان و متقاضیان

۴- وجود اطلاعات کامل از شرایط بازار

۵- یکسان بودن کالا که به وسیله تولیدکنندگان به بازار ارائه می‌شود.

در مواردی پیش می‌آید که شرایط فوق هر چند که می‌توانند یک بازار رقابتی را برقرار کنند، ولی تخصیص مؤثر و بهینه منابع را ایجاد نخواهند کرد. عمده مواردی که بازارها قادر به تخصیص مؤثر منابع نمی‌شوند، ناشی از پیامدهای خارجی، کالاهای عمومی، انحصار، بی‌ثباتی اقتصادی و نواقص بازار می‌باشد.

**کج مثال ۴:** کدام یک از موارد زیر از معیارهای مشترک ارزیابی عملکرد دولت و بازار نیست؟

(۱) کارایی اقتصادی (۲) عدالت اجتماعی (۳) تقویت ارزش‌های انسانی (۴) احترام به حقوق مالکیت

پاسخ: گزینه «۴» برای اینکه درباره‌ی حدود قلمرو دولت در اقتصاد تصمیم بگیریم، باید معیاری برای ارزیابی عملکرد بازار در دولت داشته باشیم.

البته چون دولت می‌خواهد جایگزین بازار شود، باید با همان معیارها، کارکرد دولت نیز قابل سنجش باشد؛ پس به معیار مشترکی درباره بازار و دولت نیازمندیم. این معیارها عبارتند از: کارایی اقتصادی، عدالت اجتماعی و تقویت ارزش‌های انسانی

## آثار و پیامدهای خارجی

پیامد خارجی چیست؟ اگر فرد یا افرادی به نحو غیراختیاری تحت تأثیر فرآیند اقتصادی قرار گیرند، بدون آنکه به نحو مقتضی جبران شوند، فرآیند اقتصادی تولید یا مصرف یک کالا، دارای پیامد خارجی است. آثار خارجی می‌تواند مثبت (منافع خارجی) یا منفی (هزینه‌های خارجی) باشد. آثار خارجی مثبت زمانی روی می‌دهد که یک فعالیت اقتصادی، منفی را برای فرد یا افرادی به طور غیراختیاری دربر داشته باشد، بدون اینکه از آن فرد یا افراد، بهایی دریافت شود. در حالی که آثار خارجی منفی زمانی روی می‌دهد که یک فعالیت اقتصادی، هزینه‌هایی را برای فرد یا افرادی به طور غیراختیاری دربر داشته باشد، بدون اینکه به آن فرد یا افراد، هزینه‌ای پرداخت شود.

وقتی کسی به موسیقی گوش می‌کند و از آن لذت می‌برد، صدای آن مانع تدریس معلمی می‌شود که در ساختمان مقابل مشغول به کار است؛ این یک حالت از اثرات خارجی است که در آن مصرف یک نفر، اثر خارجی منفی بر تولید فرد دیگر دارد. همین سروصدا می‌تواند مانع تلویزیون دیدن فرد دیگر شود؛ در این حالت مصرف یک نفر، اثر خارجی منفی بر مصرف فرد دیگر دارد.

وقتی در جایی کارخانه‌ای تأسیس می‌شود، رفت و آمد خودروها موجب رونق سوپرمارکت‌های محل می‌شود. در این حالت نیز تولید یک نفر، اثرات مثبت بر تولید دیگری دارد. وقتی یک کارخانه‌دار برای مهار سیل، سیل‌بندهایی را در یک منطقه احداث می‌کند، عملاً اثرات مثبت بر زندگی و مصرف دیگر شهروندانی می‌گذارد که در آن حوالی زندگی می‌کنند. همه مثال‌های فوق نشان‌دهنده آن است که بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی ناخودآگاه بر فعالیت دیگران اثرات مثبت و منفی دارد. اگر هر کس به کار خود مشغول باشد و توجهی به آثار بیرونی فعالیت خود نداشته باشد، زیان‌هایی به دیگران وارد می‌شود یا منفی از دست می‌رود؛ چرا که در بسیاری از شرایط، بازاری برای تنظیم اثرات بیرونی وجود ندارد. اما سؤال مهم این است که چرا بازار در تنظیم بهینه آثار خارجی شکست می‌خورد. علت اصلی شکست بازار در شکاف میان منافع خصوصی و اجتماعی در مورد اثرات خارجی مثبت و شکاف میان هزینه‌های خصوصی و اجتماعی در مورد اثرات خارجی منفی است. اقتصاددانان کلاسیک به طور ضمنی بر این باور بودند که منفعت خصوصی و منفعت اجتماعی و هزینه‌های خصوصی و هزینه‌های اجتماعی با یکدیگر همسانند؛ در این صورت نظم بازار که تحت مکانیسم قیمت یا به عبارت دیگر دست نامرئی آدم اسمیت، قادر است کارایی خصوصی را تأمین کند، هم‌زمان کارایی اجتماعی را نیز تأمین می‌کند؛ اما مسئله آثار خارجی درست نقطه مقابل این امر است. اثرات خارجی حاکی از این است که منفعت خصوصی یا هزینه‌های خصوصی ممکن است در مواردی با منفعت اجتماعی یا هزینه اجتماعی برابر نباشد.

برای روشن شدن این بحث به تشریح چند مثال ساده دیگر از اثرات مثبت و منفی خارجی می‌پردازیم: یکی از نمونه‌های کلاسیک اثرات خارجی مثبت، آموزش است. آموزش به خصوص در دوره مقدماتی، علاوه بر اینکه با ایجاد مهارت، دانش‌آموزان را برای کسب درآمد بهتر در آینده آماده می‌کند، اثرات دیگری مانند تقویت فرهنگ شهرنشینی و بهبود محیط فرهنگی جامعه را دربر دارد. اکنون فرض کنید که آموزش تحت مکانیسم بازار صورت پذیرد. بازار آموزش از یک طرف با هزینه‌های آموزش مواجه است که تابع عرضه آموزش را تعیین می‌کند و از طرف دیگر با منافع و مطلوبیت‌های خصوصی حاصل از آموزش مواجه است که تابع تقاضای بازار آموزش را تعیین می‌کند. در واقع، طرف تقاضای بازار آموزش، انعکاسی از تمایل و توانایی پرداخت مجموع افرادی است که از آموزش بهره می‌برند؛ متقاضیان آموزش اثرات خارجی مثبت حاصل از آموزش را برای جامعه، جزو منافع خود محسوب نکرده و آن را در تقاضای خود از آموزش انعکاس نمی‌دهند. در نتیجه این شکاف میان منافع خصوصی و منافع اجتماعی، نظم بازار به تعادلی در بازار آموزش می‌انجامد که مقدار آن

از مقدار بهینه آموزش برای جامعه کمتر خواهد بود، در حالی که اثرات خارجی حاصل از آموزش برای اجتماع عموماً تابعی از استعداد، هوش، علاقه، پشتکار و تعهد به جامعه است و کمتر تحت تأثیر درآمد متقاضیان می‌باشد. در نتیجه این امر، نه تنها آموزش خصوصی کمتر از حد بهینه عرضه خواهد شد، بلکه این آموزش عموماً به اقشار بالای درآمدی اختصاص می‌یابد و بخش مهمی از اثرات خارجی حاصل از آموزش برای اجتماع از دست خواهد رفت. بنابراین شکست نظم بازار در تنظیم بهینه اثرات خارجی مثبت ناشی از آموزش، ضرورت ورود و مداخله دولت را در این مورد توجیه می‌کند. دولت می‌تواند با پرداخت سوبسید به امر آموزش، مقدار تعادلی آموزش را افزایش دهد تا منافع جامعه از رهگذر جذب آثار خارجی ناشی از آن افزایش یابد. در یک حالت حدی، اگر اثرات خارجی ناشی از آموزش نسبت به منافع خصوصی حاصل از آن بسیار بالا باشد، آموزش به صورت رایگان نیز توسط دولت توجیه اقتصادی پیدا می‌کند. مثال دیگر از آثار مثبت خارجی، پرورش گل و تولید عسل توسط یک باغدار می‌باشد. یک باغ گل را در نظر بگیرید که تولیدکننده به پرورش گل برای فروش به مصرف‌کنندگان اشتغال دارد و این کار را با صرف هزینه‌ای مثل آب، کار و زمین انجام می‌دهد. در مجاورت این گلستان، تولیدکنندگان عسل نیز اشتغال به پرورش زنبور عسل دارند. زنبورهای عسل به دلیل بهره‌برداری از شهد گل‌های باغ به تولید عسل بیشتر و مرغوب‌تر می‌پردازند. در این مورد تولید گل علاوه بر فایده مستقیم که به مصرف‌کنندگان گل می‌رساند، باعث افزایش تولید عسل نیز می‌شود. این فایده خارجی که به غیر از متقاضیان گل می‌رسد، پیامد خارجی اقتصادی خوانده می‌شود.

یکی از نمونه‌های کلاسیک اثرات خارجی منفی، یک کارخانه آلاینده است. یک کارخانه نساجی را در یک فضای شهری در نظر بگیرید که با تولید محصول بیشتر، آلاینده‌های بیشتری نیز به صورت دود ایجاد می‌کند و این دود هزینه‌هایی را برای مردم اطراف کارخانه ایجاد می‌کند که باعث کاهش ارزش خانه‌ها و نیز کاهش بهای اجاره‌خانه‌ها می‌شود. کارخانه با فروش محصول خود در بازار سود کسب می‌کند، به نحوی که سود کارخانه تابعی از میزان محصول تولیدی آن می‌باشد. تابع هدف صاحب کارخانه، سود و منفعت شخصی خودش می‌باشد و براساس آن به تصمیم‌گیری تولید می‌پردازد؛ بنابراین طبیعی است که تحت نظم بازار، صاحب کارخانه سطح تولیدی را انتخاب می‌کند که سودش را حداکثر کند. از آنجا که هزینه ناشی از دود کارخانه (هزینه خارجی) در تابع هزینه خصوصی کارخانه وارد نمی‌شود، قطعاً در این شرایط، میزان آلودگی ناشی از دود کارخانه در تصمیم‌گیری میزان تولید برای صاحب کارخانه اثری ندارد؛ بنابراین در مثال فوق ما با یک اثر خارجی منفی مواجه می‌گردیم. میزان تولید صاحب کارخانه فراتر از حد بهینه اجتماعی خواهد بود، چرا که هزینه‌های اجتماعی حاصل از تولید، بیش از هزینه‌های خصوصی ناشی از تولید محصول است؛ بنابراین شکاف میان هزینه‌های خصوصی و اجتماعی موجب می‌شود که تعادل بازار در این مورد به گونه‌ای برقرار شود که به لحاظ اجتماعی بهینه نیست. مورد دیگری از پیامدهای خارجی منفی، نتیجه ازدحام در استفاده از کالاهای و خدمات عمومی است. پارک‌ها، خیابان‌ها و محوطه ساحلی برای ماهی‌گیری از نمونه کالاهای عمومی هستند.

مثلاً آزادراه تهران- کرج را که کالایی عمومی است در یک روز وسط هفته در نظر بگیرید که اتومبیل‌ها در آن رفت و آمد می‌کنند و با صرف بنزین، وقت راننده و سرنشینان، روغن و استهلاک ماشین به مقصد می‌رسند. حال یک روز تعطیل در فصل تابستان را مجسم کنید که به دلیل تعداد بسیار زیاد اتومبیل‌ها، رفت و آمد با اشکال در جریان است و هزینه رسیدن به مقصد برای سرنشینان و راننده ماشین‌ها افزایش می‌یابد. در اینجا تأثیر ازدحام عبارت است از افزایش هزینه برای عده‌ای که با ورود ماشین‌های اضافی ایجاد می‌شود که برابر است با تفاوت هزینه حرکت از یک مبدأ و رسیدن به مقصد در یک روز عادی و هزینه مشابه در یک روز تعطیل تابستان.

**کلمه مثال ۵:** کدام یک از راه‌های برخورد با پیامد خارجی منفی، در ادبیات مالیه عمومی و اقتصاد بخش عمومی به «قضیه کاوز» مشهور است؟

- (۱) راه‌حل مالیات و سوبسید (۲) فروش اجازه ایجاد آثار منفی (۳) راه‌حل اعمال قوانین و مقررات (۴) تدوین حقوق مالکیت

پاسخ: گزینه «۴» رونالد هاری کاوز از اقتصاددانان مشهور آمریکایی می‌باشد. مطلب اساسی قضیه کاوز این است که در صورتی که بتوان بازار کاملی برای پیامدهای خارجی در نظر گرفت، به گونه‌ای که حقوق مالکیت به طور روشن مقرر گردد و هزینه معاملات وجود نداشته باشد، امکان معامله مذکور به طور بهینه وجود دارد و در نتیجه نیازی به دخالت دولت نیز نمی‌باشد. به عبارت دیگر، پس از آنکه حقوق مالکیت مربوط به پیامدهای خارجی مشخص گردید، در آن صورت نیازی به دخالت دولت در مورد پدیده مذکور نمی‌باشد.

**نکته ۲:** دولت برای جبران شکست بازار یا با وضع مقررات، مانع برخی فعالیت‌ها می‌شود یا با وضع مالیات بر واحدهای آلاینده، هزینه آن‌ها را بالا می‌برد تا تولید، تا نقطه کارا کاهش یابد و در حالت وجود منافع خارجی، با پرداخت یارانه، مصرف را تشویق می‌کند تا نقطه کارا حاصل شود.

**کلمه مثال ۶:** «کالای مختلط» به چه کالایی گفته می‌شود؟

- (۱) کالایی که دارای انحصار طبیعی باشد. (۲) کالایی که دارای آثار خارجی باشد.

- (۳) کالایی که پدیده سواری مجانی در مورد آن صدق کند. (۴) کالایی که هم بازار و هم دولت در تولید آن نقش دارند.

پاسخ: گزینه «۲» به کالاهای و خدماتی که دارای آثار خارجی باشد، «کالای مختلط» نیز می‌گویند. آثار خارجی، پیامدهای مثبت و منفی است که بر طرف‌های غیردرگیر برای تولید و مصرف اثر می‌گذارد (آلودگی هوا پیامد منفی یک کارخانه‌ی سیمان برای اعضای یک شهر).



که مثال ۷: مهم‌ترین دلیل وضع یارانه بر بازار یک کالا ..... و امکان استفاده هم‌زمان از کالاها و خدمات عمومی خاصیت ..... آن را بیان می‌کند.

- (۱) افزایش سود - ارزانی و فراوانی  
(۲) افزایش رقابت - استثناپذیری  
(۳) پیامدهای خارجی مثبت - رقابت‌ناپذیری  
(۴) کاهش مخارج جاری دولت - رقابت‌پذیری

پاسخ: گزینه «۳» منظور از پیامد خارجی، سود و زیانی است که طرف‌های غیردرگیر در امر تولید و مصرف می‌برند؛ برای مثال پیامد خارجی مثبت مانند پرورش گل و گیاه که علاوه بر فروش آن، بوی خوش آن به همسایه‌ها نفع می‌رساند و همچنین زنبورها می‌توانند از آن استفاده کنند یا آموزش و پرورش که علاوه بر با سواد کردن فرد باعث بهبود وضع جامعه می‌شود. به همین خاطر، کالاهایی که دارای پیامد خارجی مثبت هستند باید تشویق شوند و دولت به تولید آن‌ها کمک کند.

کالاهای عمومی قابل رقابت نیستند و وقتی تولید شوند، همه به‌طور یکسان از آن بهره‌مند می‌شوند.

که مثال ۸: سوبسید (یارانه) به مقدار معین بر واحد تولید کالا باعث ..... سطح تولید و ..... قیمت برای مصرف‌کننده و ..... قیمت برای عرضه‌کننده می‌شود که سهم سوبسید (یارانه) مصرف‌کننده با کشش منحنی تقاضا رابطه ..... دارد.

- (۱) کاهش - کاهش - افزایش - مستقیم  
(۲) افزایش - کاهش - افزایش - معکوس  
(۳) کاهش - کاهش - افزایش - معکوس  
(۴) افزایش - کاهش - افزایش - مستقیم

پاسخ: گزینه «۲» سوبسید (یارانه) بر دو نوع است:

- (۱) مستقیم: کمک‌های نقدی  
(۲) غیرمستقیم: دولت از طریق سوبسید در بازار کالا یا کالاهای خاص به کسانی که در این بازار مصرف‌کننده و یا عرضه‌کننده هستند، سوبسید می‌دهد.
- سوبسید به مقدار معین بر واحد تولید یک کالا باعث افزایش سطح تولید، کاهش قیمت مصرف‌کننده و افزایش قیمت عرضه‌کننده می‌شود. هرچه کشش منحنی تقاضا کمتر، سهم سوبسید مصرف‌کننده نیز بیشتر و هرچه کشش بیشتر باشد، سهم سوبسید عرضه‌کننده بیشتر می‌شود و هرچه کشش منحنی عرضه کمتر، سهم سوبسید عرضه‌کننده بیشتر و نهایتاً هرچه کشش عرضه بیشتر باشد، سهم عرضه‌کننده کمتر است.

### کالای عمومی (Public Good)

اقتصاد بازار تنها در تولید کالای خصوصی قادر به تأمین کارایی است. کالای خصوصی کالایی است که دو ویژگی دارد: اول، رقابت‌پذیر است. یعنی مصرف یک فرد از آن مانع مصرف هم‌زمان دیگری می‌شود. قرص نانی که شما می‌خورید، تأثیری در کاهش گرسنگی من ندارد. به عبارت دیگر مصرف شما از کالای خصوصی، مقدار قابل مصرف از همان کالا را برای من کاهش می‌دهد. معنای دقیق‌تر رقابت‌پذیری این است که وقتی تعداد مصرف‌کنندگان افزایش یابد، باید تولید اضافه شود و دیدیم که افزایش واحدهای تولید، به‌طور فزاینده هزینه را بالا می‌برد (هزینه نهایی تولید، فزاینده است). ویژگی دوم استثناپذیری است. در بازار بین پرداخت و مصرف کالای خصوصی پیوند مستحکمی وجود دارد. هر قدر پول دهید، همان میزان آش می‌خورید! قیمت، کسانی را که حاضر به پرداخت نباشند از مصرف مستثنی می‌سازد.

اما کالاهای مهمی وجود دارند که این دو ویژگی را ندارند که به آن‌ها، کالاهای عمومی گفته می‌شود. کالای عمومی که گاهی از آن به‌نام کالای جمعی (Collective Good) یا کالای اجتماعی (Social Good) یاد می‌شود، کالایی است که همه از مصرف آن منتفع می‌شوند؛ به این معنی که مصرف هر فرد سبب کاهش مصرف سایرین از آن نمی‌شود. پارک، اتوبوس، امنیت و ... نمونه‌هایی از کالای عمومی هستند. کالای عمومی با وجود اینکه برای بسیاری از شهروندان ضروری است، اما بازار و بخش خصوصی انگیزه کافی برای تولید آن را ندارند؛ چراکه ماهیت این نوع کالا به‌گونه‌ای است که افراد پس از ساخته شدن، حاضر نیستند قیمت آن را بپردازند.

دفاع ملی، نظام قضایی، نظم و امنیت داخلی، شبکه عمومی صدا و سیما ... این‌ها و کالاهای مشابه، رقابت‌ناپذیرند. وقتی امکانات دفاعی، تولید و تأمین شود (ارتش، پاسگاه‌های مرزی و تجهیزات نظامی)، همه افراد جامعه از تجاوز خارجی به یک اندازه در امان می‌مانند و اضافه شدن جمعیت (مصرف‌کنندگان امنیت ناشی از قدرت دفاعی)، تأثیری در هزینه نمی‌گذارد. وقتی برنامه‌ای تلویزیونی تولید و منتشر بشود، اضافه شدن دارندگان تلویزیون، تأثیری بر هزینه ندارد (هزینه نهایی صفر است:  $MC = 0$ ). در واقع، عرضه کالای عمومی به یک نفر، به‌طور هم‌زمان عرضه به دیگران را نیز ممکن می‌سازد، بی‌آنکه هزینه اضافی پیدا شود.

علاوه بر آن، این‌ها استثناپذیر هم هستند. چگونه می‌توان کسی را که پولی برای نظم و امنیت داخلی یا بهره‌مندی از خدمات قانون‌گذاری، پرداخت نکرده است، از استفاده مستثنی کرد؟ اساساً این خدمات قابل قیمت‌گذاری و معامله نیستند. در مصرف این قبیل کالاها پیوند بین مصرف و پرداخت قطع است؛ چون هیچ مصرف‌کننده‌ای قابل استثنا نیست و انگیزه‌ای برای پرداخت هزینه تولید و حتی ارزیابی منافع آن وجود ندارد. در نتیجه، وقتی کسی چیزی

نپردازد، طبعاً در حاکمیت سازوکار بازار، کالای عمومی تولید چندانی نخواهد داشت و راهی برای جبران نارسایی، مگر دخالت دولت و تأمین مالی هزینه تولید از طریق بودجه، باقی نمی‌ماند.

از دیدگاه مالیه عمومی، افراد یک اجتماع را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: رأی‌دهندگان، نمایندگان و کارکنان دستگاه‌های دولتی. هر کدام از این گروه‌ها دارای رجحان و سلیقه خاصی در مورد چگونگی مخارج عمومی هستند. تقسیم‌بندی دقیق و نام‌گذاری خدمات به عمومی یا خصوصی کاری است که با دشواری‌های خاصی روبه‌روست. این امر در مورد کالاهایی است که مانند راه‌آهن، پست و غیره دارای خصوصیات مشترکی هستند. این نوع کالاها و خدمات را می‌توان شبه‌عمومی یا شبه‌خصوصی خواند. انتخاب یک روش خاص در بخش دولتی برای کنترل یا تولید کالاهای شبه‌عمومی و تخصیص منابع، غالباً براساس ملاحظات غیراقتصادی صورت می‌گیرد. عده‌ای دیگر عقیده دارند که دخالت مستقیم دولت برای تولید کالا یا انجام خدمات فقط زمانی ضروری است که تولید آن کالا یا انجام آن خدمت تنها در بخش دولتی مطلوب باشد.

خصوصیات کالاهای عمومی، کالاهای خصوصی و کالاهای شبه‌عمومی و معیارها و روش‌های تخصیص آن‌ها در جدول زیر مشاهده می‌شوند.

#### ارتباط داخلی میان حوانج اقتصادی و کالاها، روش‌های تخصیص و تعیین بخش‌ها

| بازار  | دولت   |
|--|--|
| نیازهای کاملاً خصوصی   | الف: نیازهای کاملاً عمومی  |
| کالاهای کاملاً خصوصی   | ب. کالاهای کاملاً عمومی  |
| تمایل تولید خصوصی کالاها با دخالت غیرمستقیم دولت   | پ. تمایل به اعمال روش‌های مستقیم و قابل تخصیص منابع به‌وسیله دولت  |
| کالاهای کاملاً خصوصی لاقط دارای یکی از خصوصیات زیر هستند:<br>۱. قابل تقسیم بودن<br>۲. تأثیر خارجی ناچیز (یا بدون تأثیر خارجی)<br>۳. ثبات یا افزایش هزینه در نقطه مطلوب تخصیص (هزینه نهایی = درآمد متوسط)<br>۴. هزینه نهایی در نقطه مطلوب تخصیص، بالاتر از صفر. (هزینه نهایی = درآمد متوسط)<br>۵. قبول خطر معقول یا اندک در نتیجه وجود اطلاعات لازم از وضع بازار<br>۶. عدم وجود شرایط انحصاری یا کمیابی منابع | ت. کالاهای عمومی حداقل واجد یکی از خصوصیات زیرند:<br>۱. غیرقابل تقسیم بودن<br>۲. تأثیرات خارجی قوی<br>۳. تنزیل هزینه تمام شده در نقطه مطلوب تخصیص (هزینه نهایی = درآمد متوسط)<br>۴. هزینه نهایی در نقطه مطلوب تخصیص، به صفر نزدیک می‌شود.<br>۵. لزوم قبول مخاطرات به علت بی‌اطلاعی از وضع بازار<br>۶. وجود شرایط انحصاری یا کمیابی منابع |
| تعیین بخش و روش‌های تخصیص بیشتر براساس معیارهای اقتصادی و کارایی فنی صورت می‌گیرد.   | در تعیین بخش‌ها و روش‌های تخصیص، معیارهای غیراقتصادی دارای اهمیت قابل ملاحظه‌ای هستند.   |

کج مثال ۹: چه کالاهایی دارای مصرف برابر و قیمت نابرابر هستند؟

۱) کالاهای خصوصی      ۲) کالاهای همگانی یا عمومی      ۳) کالاهای پست      ۴) خدمات و کالاهای برخوردار از پارانه

✓ پاسخ: گزینه «۲» کالاهای عمومی، کالاهایی هستند که هزینه تولید آنها را نمی‌توان مستقیماً از مصرف‌کننده دریافت کرد. این کالاها در مقابل کالاهای خصوصی قرار دارند و کلیه افراد جامعه می‌توانند به تساوی از آن‌ها استفاده کنند. در واقع، استفاده یک فرد، مانع استفاده فرد دیگری نیست. این نوع کالاها در بازار وجود ندارند و قابل خرید و فروش نیستند و تأمین آن‌ها به عهده دولت می‌باشد، منافع آن‌ها قابل تفکیک و تخصیص نمی‌باشد و هیچ‌گونه نیازی برای رقابت جهت در اختیار گرفتن آن‌ها وجود ندارد و همچنین دارای مصرف برابرند؛ ولی مطلوبیت نهایی (قیمت) آنها برای عموم نابرابر است.

کج مثال ۱۰: مسئله‌ی سواری مجانی در مورد تولید کدام یک از کالاها مطرح می‌شود؟

۱) کالاهای مصرفی      ۲) کالاهای عمومی      ۳) کالاهای سرمایه‌ای      ۴) کالاهای خصوصی

✓ پاسخ: گزینه «۲» کالای عمومی یک خصوصیت قابل توجه دیگر دارد که در عرف مالیه‌ی عمومی و اقتصاد بخش عمومی به «سواری مجانی» معروف است. مفهوم کلی سواری مجانی این است که افراد و یا گروه‌هایی از کالا و یا خدمتی استفاده کنند، بدون آن‌که در هزینه‌ی تأمین و تدارک آن سهیم باشند.



کله مثال ۱۱: کاربرد منحنی‌های شبه تقاضا در کدام مورد است؟ تعیین ...

- (۱) میزان تقاضا برای کالای عمومی  
(۲) قیمت مناسب برای کالای عمومی  
(۳) میزان عرضه کالای عمومی  
(۴) هزینه‌های تولید کالای عمومی

پاسخ: گزینه «۴» منحنی‌های شبه تقاضا برای تعیین هزینه‌های تولید کالای عمومی به کار می‌روند.

### کالای عمومی خالص و ناخالص

اگر کالا و خدمات کاملاً غیرقابل رقابت باشند یا استفاده هم‌زمان مصرف‌کنندگان بدون هیچ تغییری در منافع دیگران ممکن باشد، کالای عمومی خالص خوانده می‌شود (استثنانپذیر و رقابت‌ناپذیر)؛ مانند منافع دفاع ملی، شبکه رادیو و تلویزیون که می‌تواند بدون کاهش منافع دیگران، هم‌زمان برای عده کثیری فراهم باشد. در عوض، بعضی از کالاها هستند که به علت محدودیت سطح پذیرش پس از حدی از مصرف هم‌زمان، افزایش تعداد مصرف‌کنندگان فقط با کاهش در فایده دیگران ممکن می‌گردد؛ این گونه کالاها را کالاهای عمومی ناخالص می‌نامند. خاصیت این‌گونه کالاها به گونه‌ای است که استثنانپذیرند ولی در مصرف رقابتی هستند؛ یعنی پس از تکمیل یک ظرفیت خاص مصرفی، اضافه شدن هر فرد دیگر باعث کاهش خدمات برای همه مصرف‌کنندگان می‌گردد. کالاهایی مثل استخر، تئاتر، سیرک، جاده، اتوبان‌ها و ... وقتی در «مرحله ازدحام» قرار گیرند، نمونه‌هایی از کالاهای عمومی ناخالص هستند؛ برخی کالاهای دیگر هم وجود دارد که استثنانپذیر ولی رقابت‌ناپذیر هستند، مانند کالاهای عمومی «قبل از ازدحام» (مثل ورزشگاه قبل از پر شدن یا پل قبل از این‌که به مرحله ازدحام برسد). برخی از کالاها هم هستند که علاوه بر استثنانپذیری، رقابت‌پذیر هم هستند (مانند کالاهای خصوصی).

کله مثال ۱۲: کدام یک از موارد زیر از نوع کالاهای عمومی سره می‌باشد؟

- (۱) امنیت (۲) بزرگراه‌ها (۳) منابع طبیعی (۴) همه موارد

پاسخ: گزینه «۱» کالای عمومی سره یا خالص به کالایی گفته می‌شود که از نظر مصرف، رقابت‌ناپذیر و از نظر تولید، استثنانپذیر باشد؛ یعنی اینکه افراد گروه‌های مختلف بتوانند هم‌زمان از آن استفاده کنند و ایجادکننده آن نتواند منافع آن را به گروه خاصی اختصاص دهد که تنها امنیت این ویژگی‌ها را داراست. بزرگراه‌ها جزء کالاهای عمومی ناسره هستند؛ زیرا از نظر تولیدی استثنانپذیرند و ممکن است در آن‌ها پدیده ازدحام شکل بگیرد. منابع طبیعی نیز جزو کالاهای عمومی ناسره هستند؛ زیرا از نظر مصرفی رقابت‌پذیرند و امکان استفاده و بهره‌برداری از آن‌ها برای تمام نسل‌ها وجود ندارد و ممکن است پدیده تئوری اشتراکات ایجاد شود.

کله مثال ۱۳: کالاهای خصوصی چه مشخصه‌ای دارند؟

- (۱) کالاهای جانشین شونده ندارند.  
(۲) مصرف آن‌ها رقابتی است.  
(۳) منابع تولید محدودی دارند.  
(۴) هزینه نهایی آن‌ها صفر یا نزدیک به صفر است.

پاسخ: گزینه «۲» کالاهای خصوصی، کالاهایی هستند که از طریق بازار قابل ارائه هستند. به عبارت دیگر، کالایی را خصوصی می‌گویند که هزینه تولید آن را بتوان از طریق سیستم بازاری یا به سخنی دیگر قیمت آن را از مصرف‌کننده دریافت کرد. این کار زمانی امکان‌پذیر است که امکان تفکیک منافع کالا یا خدمت وجود داشته باشد و منافع آن قابلیت تخصیص به فرد یا افراد را داشته باشد. به عبارتی، کالاهای خصوصی کالاهایی هستند که مصرف آنها رقابتی باشد.

### کالای عمومی و پدیده سواری مجانی (Free Rider)

افراد می‌توانند در حالی که از منافع کالای عمومی بهره‌مند می‌شوند، در تأمین مالی هزینه‌های اصلی آن‌ها، سهم نگیرند. در واقع، به خاطر خصوصیات کالای عمومی استفاده هر فرد، مزاحم استفاده دیگران نیست. برای همین، افراد تمایل دارند که در استفاده از کالا سهم باشند، بدون این‌که در هزینه‌های آن شرکت کنند. علت اصلی ظهور این پدیده، عدم آشکارسازی ترجیحات ذهنی است. از لحاظ نظری روشن است که این پدیده، در موارد زیادی علت اصلی شکست یا نارسایی بازار در تأمین و ارائه کارآمد کالای عمومی است؛ اما این به آن معنی نیست که نتوان هیچ کالای عمومی را توسط بخش خصوصی ارائه کرد. در تجربیات علمی، شواهدی وجود دارد که تحت آن کالای عمومی، به شکل خصوصی ارائه می‌شود؛ مثلاً گروه‌ها و افرادی که مراکز تحقیقات طبی راه‌اندازی می‌کنند، در بسیاری از موارد، کالای عمومی را به شکل خصوصی ارائه می‌دهند.

نکته ۳: در مورد کالاهای کاملاً عمومی، هزینه تمام شده در نقطه مطلوب تخصیص کاهش می‌یابد، در حالی که در مورد کالاهای کاملاً خصوصی هزینه تمام شده در نقطه مطلوب تخصیص، ثابت است یا افزایش می‌یابد.

کله مثال ۱۴: کدام‌یک از گزینه‌های زیر، ویژگی‌های کالاها و خدمات عمومی را بیان می‌کند؟

- (۱) تولید و عرضه توسط دولت و دارای مصرف‌کننده صرفاً دولتی  
(۲) غیرقابل تقسیم بودن، تأثیرات خارجی قوی، وجود شرایط انحصاری یا کمیابی منبع  
(۳) عدم امکان تولید توسط بخش خصوصی و حضور در کلیه توابع مصرف افراد جامعه  
(۴) تأثیرات خارجی ناچیز، غیرقابل تقسیم بودن، وجود شرایط انحصاری یا کمیابی منبع



پاسخ: گزینه «۲» کالاهای عمومی حداقل واجد یکی از خصوصیات زیر هستند:

غیرقابل تقسیم بودن، تأثیرات خارجی قوی، تنزیل هزینه تمام شده در نقطه مطلوب تخصیص، نزدیک شدن هزینه نهایی در نقطه مطلوب تخصیص به صفر، لزوم قبول مخاطرات به علت بی‌اطلاعی از وضع بازار و وجود شرایط انحصاری یا کمیایی منبع

کلمه مثال ۱۵: سطوح تولید کارآمد کالای عمومی چگونه به دست می‌آید؟

- (۱) جایی که تولید و تفاوت هزینه برابرند  
(۲) از برابری مجموع فواید نهایی و هزینه نهایی تولید  
(۳) از هزینه تولید تقسیم بر جمعیت  
(۴) از هزینه نهایی تولید به اضافه فواید نهایی

پاسخ: گزینه «۲» سطح تولید کارآمد کالاهای عمومی از دانستن مقداری است که جامعه حاضر است برای کالای عمومی بپردازد و مقایسه‌ی آن با هزینه تولید کالای عمومی به دست می‌آید؛ پس سطح تولید کارآمد کالای عمومی از برابری مجموع فواید نهایی و هزینه نهایی تولید به دست می‌آید.

کلمه مثال ۱۶: پدیده‌های «ازدحام» و «تراژدی اشتراکات» به ترتیب از چپ به راست در مورد کدام یک از کالاها و خدمات صادق است؟

- (۱) کالای عمومی سره - کالای عمومی سره  
(۲) کالای عمومی ناسره - کالای عمومی سره  
(۳) کالای عمومی سره - کالای عمومی ناسره  
(۴) کالای عمومی ناسره - کالای عمومی ناسره

پاسخ: گزینه «۴» پدیده ازدحام: این پدیده در مورد کالاهای باشگاهی یا گروهی (Club Goods) که از نظر مصرف رقابت‌ناپذیر، اما از نظر تولید استثناپذیر هستند (مانند استخر یا سینما)، مصداق دارد. پدیده تراژدی اشتراکات: این پدیده در مورد کالاهای همگانی یا مشترک (Common Goods) که از نظر مصرف رقابت‌پذیر، اما از نظر تولید استثناپذیر هستند (مانند منابع طبیعی)، مصداق دارد. هر دو نوع کالای همگانی و باشگاهی جزء کالاهای عمومی ناخالص و یا ناسره می‌باشند. بنابراین گزینه ۴ صحیح می‌باشد.

### بی‌ثباتی اقتصادی

برای اینکه بازار، کارا عمل کند، باید نظام معاملات پولی پایدار وجود داشته باشد. بسیاری از معاملات و فعالیت‌ها زمانبر است و اجرای پروژه‌های صنعتی یا عمرانی، قراردادهای ساخت کشتی و تجهیزات سنگین، معاملات قسطی و مشابه آن‌ها برای تحقق کامل، محتاج ثبات نسبی پول است. اگر نوسانات ارزش پول زیاد باشد، بسیاری از تولیدات و سرمایه‌گذاری‌ها به دلیل بی‌اطمینانی آسیب می‌بینند و در نقطه کارا قرار نمی‌گیرند. بسیاری اقتصاددانان معتقدند که سازوکار خودبه‌خود در بازار، بی‌ثباتی را تشدید می‌کند و دولت با سیاست‌های مالی (مالیات و مخارج دولت) و سیاست‌های پولی، می‌تواند ثبات را به بازار بازگرداند. از جمله نقاط ضعف و یا قدرت نظام سرمایه‌داری، دوره‌های بحران (رکود و رونق) در این نظام است که به نظر برخی همچون مارکس، نقطه‌ضعف آن است. بر این پایه او تئوری بحران را مطرح کرد که سبب فروپاشی نظام سرمایه‌داری می‌گردد. از دید برخی دیگر، دوره‌های بحران سبب تقویت ارکان نظام سرمایه‌داری می‌شود، به طوری که رکود و رونق‌های پی‌درپی نشان‌دهنده‌ی پویایی این نظام است. امروزه، اقتصادهای غربی و به‌خصوص ایالات متحده آمریکا و اروپا هر روز شاهد رکودها و رونق‌های گسترده و مکرری هستند که سایه رکود آن‌ها دامن کشورهای در حال توسعه را می‌گیرد و در هنگام رونق نیز مجدداً کشورهای در حال توسعه و فقیر زیر فشار اقتصادی و تراز تجاری مثبت آنان قرار می‌گیرند. نظام سرمایه‌داری مانند خودروبی است که هر چند وقت یک‌بار به مشکل اساسی برخورد می‌کند؛ اما صاحب این خودرو با هزینه‌های مختلف این خودرو را آماده حرکت مجدد می‌نماید! سیکل‌های تجاری و بی‌ثباتی‌های متعدد به امری طبیعی در نظام سرمایه‌داری تبدیل شده است؛ اما تاکنون ویژگی اصلی این نظام، رفع مشکل‌های پیش رو به هر قیمتی و البته با دخالت دولت‌ها بوده است و همین دخالت دولت نقض اصل آزادی اقتصادی در نظام سرمایه‌داری و تناقض درونی در اصول اولیه این نظام است که طبق روش‌شناسی علم ایمره لاکاتوشی در نهایت این تناقضات درونی در هسته اولیه، به فروپاشی نظام منجر می‌گردد.

### ناقصی‌های بازار

نارسایی بازار در تخصیص کارایی منابع، تنها به موارد برشمرده شده، محدود نمی‌شود، بلکه بازار رقابتی، یعنی پیش‌شرط حصول خودبه‌خود نقطه کارا، هر جا نقض شود، نقطه بهینه تولید و مصرف حاصل نمی‌شود.

شفافیت بازار از اصول مهم رقابت کامل است. فرض اولیه این است که تمامی عوامل بازار از کلیه اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری بهینه برخوردارند و در به‌کارگیری اطلاعات نیز مانعی نیست؛ اما جهان واقعی آنقدر پیچیده و تبلیغات تجاری آنقدر محرک است که همواره تحت تأثیر اطلاعات یا اطلاعات گمراه‌کننده، انتخاب‌های نامتناسب با کارایی انجام می‌گیرد.



جابه‌جایی بی‌مانع و بی‌هزینه عوامل تولید باید مقدور باشد تا آن‌ها در صنعتی به کار گرفته شوند که بیشترین منفعت خالص حاصل شود، در حالی که عوامل بی‌شمار اجتماعی و اقتصادی، مانند قوانین و مقررات استخدامی یا عادات فرهنگی مانع این کار می‌شود. همچنین تقسیم‌پذیری و همگونی کالاها و عوامل تولید که از پیش شرط‌هاست، در عمل وجود ندارد.

یک نقص مهم دیگر بازار به این بازمی‌گردد که فرض رفتار عقلایی برای همه انسان‌ها، در تمام موارد غیرواقعی است. انسان‌ها همیشه براساس خودخواهی شخصی مادی تصمیم نمی‌گیرند و در نتیجه نقطه کارا خودبه‌خود به دست نمی‌آید. در واقع در موارد زیادی، انتخاب افراد براساس نوع دوستی مبتنی بر اخلاق فردی و همچنین انتخاب بنگاه براساس روش مسئولیت اجتماعی صورت می‌گیرد که غیرعقلایی تلقی می‌شود.

دولت می‌تواند با دخالت مناسب خویش ناقصی‌های بازار را کاهش دهد؛ مثلاً با اعمال مقررات ایمنی و استانداردها به مصرف‌کننده اطمینان دهد یا فروشندگان را به درج ویژگی‌های کالا در روی آن یا نصب برچسب قیمت وادارد، برای افزایش اطلاعات سرمایه‌گذاران آمارهای ملی و پیش‌بینی‌های خویش از تغییرات شاخص‌های کلان را اعلان کند، برای تحرک راحت‌تر و بیشتر عوامل تولید، مقررات کار و استخدام را آسان سازد یا با تعریف و تبلیغ حقوق مالکیت و حمایت از اعمال آن‌ها، تحرک را تسهیل کند.

### انحصار

گرایش به انحصار بازار رقابت کامل یکی دیگر از موارد شکست بازار است. نظام سرمایه‌داری معتقد است که بازار رقابت کامل بهترین تخصیص‌دهنده منابع در اقتصاد است؛ اما با نگاهی به اصول بازار رقابت کامل مشاهده می‌کنیم که بازار رقابت کامل سربیش نیست و همچون افق دست‌نیافتنی است، به طوری که اقتصاددانانی همچون چمبرلین و جون رابینسون با نظریات رقابت انحصاری و رقابت ناقص انتقادهای اساسی بر بازار رقابت کامل وارد نموده‌اند.

امروزه تشکیل کارتل‌ها، تراست‌ها، شرکت‌های هلدینگ و شرکت‌های چندملیتی امری طبیعی در کشورهای تابع و مقلد نظام سرمایه‌داری است. نتایج مطالعات تجربی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که بازار ملقب به رقابت کامل در بلندمدت گرایش به انحصار دارد، به طوری که شرکت‌های بزرگ و چندملیتی که سهم عمده بازارها را با مارک‌های معروف خود قبضه کرده‌اند و مزیت انحصاری برای خود ایجاد نموده‌اند، گواه این حقیقت هستند. بدین ترتیب، کاملاً واضح است که نظام سرمایه‌داری به سمت نظام سرمایه‌داری انحصاری در حال حرکت است.

رقابت که مفهومی بنیادی در نظام سرمایه‌داری داشت، امروزه به مفهوم رقابت بین شرکت‌های بزرگ و انحصاری تنزل یافته است. این مسئله یک تناقض درونی در اصول اولیه نظام سرمایه‌داری است.

فریدمن و مکتب شیکاگو و در ادامه مکتب کلاسیک جدید با بازگشت به اصول اولیه اقتصاد کلاسیک قبول کوچک‌ترین سهم برای دولت در اقتصاد را مخالف هسته اصلی علم اقتصاد می‌دانستند و به صورت افراطی طرفدار آزادی اقتصاد بودند.

در این راستا بسیاری از منتقدین نظام سرمایه‌داری بر این باورند که ترکیب تجارت آزاد و دارایی‌های خصوصی سرمایه‌داران ذاتاً به ساختارهای انحصارطلب منجر می‌شود. از نظر ساختار سیاسی نیز، نظام سرمایه‌داری هم ساختارهای دیکتاتوری، هم فاشیستی، و البته عمدتاً دموکراتیک را تجربه کرده است.

همین ساختار دموکراتیک است که علی‌رغم تمامی کمبودهایش، برخلاف سایر نظام‌ها، امکان تغییر منظم دولت و سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی آن را برای نیروهای مختلف اجتماعی در کشورهایی فراهم آورده است که ساختار دموکراتیک دارند و به تداوم حیات نظام سرمایه‌داری منجر شده است؛ زیرا با وجود دموکراسی، در ظاهر تفکرات مختلف به قدرت می‌رسند اما در باطن این تفکر سرمایه‌داری است که حکومت می‌کند؛ اما با گرایش بازار به سمت انحصار و دخالت شرکت‌های بزرگ انحصاری در روند انتخابات، نظام سرمایه‌داری با یکی از اساسی‌ترین تناقض‌های درونی خود مواجه می‌گردد؛ زیرا ساختار سیاسی نظام سرمایه‌داری نیز به سمت انحصاری شدن و فاصله گرفتن از دموکراسی حرکت می‌نماید.

**کج مثال ۱۷:** کدام یک از موارد زیر عامل شکست بازار به شمار می‌رود؟

(۲) تورم شدید قیمت کالاها و خدمات

(۱) افزایش اختلافات طبقاتی

(۴) مصرف غیررقابتی

(۳) کاهش درآمد مردم

**پاسخ:** گزینه «۴» در واقع عامل شکست بازار، مصرف غیررقابتی است. زمانی که مصرف غیررقابتی است، بازار نمی‌تواند برای کالا و خدمات تقاضا ایجاد کند و کالا و خدمات خود را به فروش برساند.

**کج مثال ۱۸:** کدام یک از موارد زیر در بازار شکست می‌خورد و نمی‌تواند به طور مؤثر منابع را تخصیص دهد؟

(۴) گزینه ۲ و ۳

(۳) هزینه‌های داخلی

(۲) اطلاعات نامتقارن

(۱) کالای خصوصی

**پاسخ:** گزینه «۲» زمانی که در بازار تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان دارای اطلاعات برابر نباشند، گروهی که دارای اطلاعات کافی‌تر نسبت به گروه دیگر است، نفع بیشتر خواهد برد و بهتر می‌تواند سود کسب کند و این اطلاعات نامتقارن کارایی بازار را کاهش می‌دهد که باعث شکست بازار می‌شود، مانند بازار کار و بازار بیمه.

پاسخنامه آزمون‌های خودسنجی  
«مالیه عمومی و بودجه»

آزمون اول

|            |            |            |            |            |
|------------|------------|------------|------------|------------|
| «۱-گزینه»  | «۲-گزینه»  | «۳-گزینه»  | «۴-گزینه»  | «۵-گزینه»  |
| «۳-گزینه»  | «۲-گزینه»  | «۴-گزینه»  | «۳-گزینه»  | «۲-گزینه»  |
| «۱۱-گزینه» | «۱۲-گزینه» | «۱۳-گزینه» | «۱۴-گزینه» | «۱۵-گزینه» |

آزمون دوم

|            |            |            |            |            |
|------------|------------|------------|------------|------------|
| «۱-گزینه»  | «۲-گزینه»  | «۳-گزینه»  | «۴-گزینه»  | «۵-گزینه»  |
| «۳-گزینه»  | «۲-گزینه»  | «۱-گزینه»  | «۳-گزینه»  | «۲-گزینه»  |
| «۱۱-گزینه» | «۱۲-گزینه» | «۱۳-گزینه» | «۱۴-گزینه» | «۱۵-گزینه» |

آزمون سوم

|            |            |            |            |            |
|------------|------------|------------|------------|------------|
| «۱-گزینه»  | «۲-گزینه»  | «۳-گزینه»  | «۴-گزینه»  | «۵-گزینه»  |
| «۴-گزینه»  | «۲-گزینه»  | «۱-گزینه»  | «۳-گزینه»  | «۲-گزینه»  |
| «۱۱-گزینه» | «۱۲-گزینه» | «۱۳-گزینه» | «۱۴-گزینه» | «۱۵-گزینه» |